



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Effect of Religious Teachings on the Depiction of the World in Rumi's Masnavi Ma'anavi

M.H. Sadeghi Darvishi, Y. Maleki*, J. Taban

Department of Quran and Hadith Sciences, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 31 July 2020
 Reviewed: 05 September 2020
 Revised: 20 September 2020
 Accepted: 05 November 2020

KEYWORDS

world, Masnavi Ma'anavi, Rumi,
 Quran, hadiths, rhetorical image,
 allegory

*Corresponding Author

✉ maleki@khoaia.ac.ir

☎ (+98 66) 33120002

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: In Islamic culture, like different human cultures, much has been said about the world and its examples. The great Persian poets have often dealt with this issue based on their religious attitude and intellectual nature. Rumi, as one of the greatest poet-mystics in Persian literature, has also expressed his views and position about the world instead of Masnavi. This study intends to search for its roots and bases among verses, hadiths and narrations by examining the rhetorical images of the world in Masnavi. In fact, the main question of the present study is which positive or negative images of the world in the spiritual Masnavi overlap with the views of the Holy Quran and other religious texts, and to what extent is the Masnavi influenced and inspired by these texts in presenting these images?

METHODOLOGY: The method of conducting the present research will be library type in terms of content analysis. Thus, in the beginning, by studying the Masnavi Manavi and other related sources, as well as by using various books, and referring to various electronic databases and using publications and magazines that are related to the research topic, the desired materials are filtered and then they are categorized comparatively according to the content of the content.

FINDINGS: Rumi has a Quranic and revelatory view in expressing most of the images of the world, and by mastering the divine book, while being influenced by verses and hadiths, he describes the world in a completely beautiful way.

CONCLUSION: The miracle and beauty of his work is that these descriptions and images have been created in a eloquent and allusive way. Also, the negative and reprehensible images of the world are presented in this work far more than the positive images (almost twice), however, in no case is life itself presented as low and worthless, but it may be presented as low for human beings.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5403](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5403)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 19	 2	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

تأثیر آموزه‌های دینی در تصویرپردازی دنیا در مثنوی معنوی

محمدحسین صادقی درویشی، یداله ملکی*، جعفر تابان

گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: در فرهنگ اسلامی مانند فرهنگهای مختلف بشری درباره دنیا و مصادیق آن بسیار سخن گفته شده است. شاعران بزرگ زبان فارسی نیز اغلب بر اساس نگرش مذهبی و صبغه فکری خود به این موضوع پرداخته‌اند. مولوی بعنوان یکی از بزرگترین شاعر-عارفان در ادبیات فارسی، نیز در جای‌جای مثنوی به طرح دیدگاه و موضع خود درباره دنیا پرداخته است. این پژوهش در نظر دارد با بررسی تصاویر بلاغی دنیا در مثنوی، به جست‌وجوی ریشه‌ها و پایه‌های آن در میان آیات، احادیث و روایات بپردازد. در واقع سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که کدام تصاویر مثبت یا منفی دنیا در مثنوی معنوی با دیدگاههای قرآن کریم و دیگر متون مذهبی هم‌پوشانی و مطابقت دارد و مثنوی در ارائه این تصاویر تا چه اندازه متأثر و ملهم از این متون است؟

روش مطالعه: روش اجرای پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای به صورت تحلیل محتوایی خواهد بود. بدین صورت که در آغاز با مطالعه مثنوی معنوی و دیگر منابع مرتبط و همچنین با استفاده از کتابهای گوناگون، و رجوع به پایگاههای اطلاعاتی الکترونیکی مختلف و استفاده از نشریات و مجلاتی که در ارتباط با موضوع مورد پژوهش هستند، مطالب مورد نظر فیش‌برداری شده و سپس به صورت تطبیقی و با توجه به محتوای مطالب طبقه‌بندی شده‌اند.

یافته‌ها: مولانا در بیان اکثر تصاویر دنیا، نگاهی قرآنی و وحیانی داشته و با تسلط بر کتاب الهی در عین تأثر از آیات و احادیث، با زیبایی تمام به وصف بدیعی از دنیا می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: اعجاز و زیبایی کار وی در این است که خلق این توصیفات و تصاویر، با روشی شیوا و تلمیح‌گونه صورت گرفته است. همچنین تصاویر منفی و مذموم دنیا در این اثر، به مراتب بیشتر از تصاویر مثبت مطرح گردیده است (تقریباً دو برابر)، باوجوداین در هیچ موردی، خود حیات به‌تنهایی پست و بی‌ارزش معرفی نمی‌شود، اما ممکن است به صورت پست برای انسان مطرح شود.

تاریخ دریافت: ۱۰ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۱۵ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۳۰ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۵ آبان ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

دنیا، مثنوی، مولوی، قرآن، احادیث، تصویر بلاغی، تمثیل

* نویسنده مسئول:

maleki@khoiau.ac.ir

۳۳۱۲۰۰۰۲ (۹۸ ۶۶) (+)

مقدمه

دنیا و مفهوم آن در فرهنگهای مختلف بشری، به شکلهای گوناگونی مطرح شده است. در فرهنگ ایرانی - اسلامی نیز تعبیری گوناگون و گاه متعارض از دنیا به چشم میخورد. حتی ظاهر برخی آیات و روایات نیز در معرفی دنیا و ابعاد مفهوم آن با هم ناسازگار یا متناقض است. باوجوداین عرفا و اهل بینش، ازجمله شاعران عارف، مفهوم دنیا را به خوبی تبیین و نگاه نادرست و عوامانه به آن را تصحیح کرده‌اند. برخی عرفا و زهاد دنیا را زندانی میدانند که در آن گرفتار شده‌اند؛ ازاینرو به متاع فانی توجه ندارند و دلبستگی به دنیا را موجب هلاکت انسان دانسته‌اند. آنان اموال دنیا را ودیعه حق میدانند که اگر کسی بدون اذن در آن تصرف کند، خائن است. از طرف دیگر دنیا از دید عرفا پلی است به سوی آخرت که سعادت و شقاوت هر فردی بسته به نوع زندگی او در دنیاست. درعین حال نوع نگاه به دنیا در مشربهای فکری و عرفانی گوناگون و نوع تعبیر از آن در بیان شاعران بزرگ ایران با هم تفاوتی دارد. درباره دنیا و چیستی آن، به دلیل اهمیت زیاد و شناسایی دقیق مفهوم دنیا، در کلام اندیشمندان، حکما، فیلسوفان و بسیاری از کتب معتبر، نظرهای فراوانی مطرح شده است. با همه این تعاریف، همچنان این مقوله در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و چه بسا تصویری شفاف و تعریفی دقیق از دنیا هنوز مورد مناقشه باشد. در میان تعاریف ارائه شده از همه مهمتر، منظر و دیدگاه والا و متعالی قرآن کریم و سپس احادیث و روایات است. همچنین تعاریف و تصاویر کتاب مثنوی معنوی در این مورد، متأثر از این نگاه وحیانی و اشرافی است.

مولوی بلخی، عارف شاعری است که در مثنوی، به دنیا نگاه خاصی دارد و مفهوم دنیامحوری را از مفهوم دنیا، به عنوان وسیله کسب کمال، جدا و با آن متفاوت میدانند. دنیا یکی از موضوعاتی است که بسیار دستمایه مولانا برای ساخت مضامین شعری و خلق تصاویر بدیع قرار گرفته است. وی برای بیان صریحتر موضوع و معرفی بهتر مفهوم دنیا، از ابعاد گوناگون به آن نگریسته است. در اندیشه محوری مولانا، دنیا از یک طرف مجموعه نعمتها و لذتهایی است که جهت تمتع و استفاده انسانها در مسیر ترقی و تعالی خلق شده و به تعبیر دیگر ابزاری است جهت نیل به هدف متعالی انسانی و از دیگر سو، دنیا فریبکار و راهزنی است که هدفی جز بازداشتن انسان از مسیر اصلی خود، که همان کمال و سعادت است، ندارد. عبدالحسین زرینکوب در این باره چنین گفته است: «دنیایی که مولانا سیر روحانی خود و تمام عالم تکامل مستمر و بیوقفه خود را از آن طی میکند، دنیای تحول است. دنیای تنازع بین اضداد است و تضاد بین آکل و مأکول است، اما استمرار این تنازع دنیا را بالضرورة دنیای شر نمیکند و شر مطلق را هم قابل تصور نشان نمیدهد (پله پله تا ملاقات خدا، زرینکوب: ص ۲۷۷).

این مقاله با بهره گیری از مقالات، شروح تفسیری و ادبی، همچنین کتابهای مختلف و پایگاههای اطلاعاتی، با شیوه تحلیلی - توصیفی، تصاویر دنیا در مثنوی مولوی را مورد بررسی قرار داده است. سؤال اصلی در این مقاله این است که تصاویر مربوط به دنیا در مثنوی معنوی چه چشم اندازی از دنیا نشان می‌دهند؟ و مولوی در ارائه این تصاویر تا چه اندازه متأثر از قرآن کریم و احادیث و روایات است؟ هدف این پژوهش ارائه تصویری وحیانی، عرفانی و ادبی از دنیا، از منظر مثنوی معنوی است که مشخص کند تا چه اندازه در این مورد، مثنوی معنوی با دیدگاههای قرآن کریم و دیگر متون مذهبی هم پوشانی و مطابقت دارد و مثنوی در ارائه این تصاویر تا چه اندازه متأثر و ملهم از کلام وحیانی است؟

سابقه پژوهش

بررسیهای انجام شده بر روی تحقیقات مرتبط، حاکی از آن است که تا کنون تحقیق جامع و کاملی در ارتباط با

تصویر دنیا در مثنوی صورت نگرفته است. به برخی از تحقیقاتی که به این موضوع پرداخته‌اند، اشاره میشود: محمد بهنام‌فر (۱۳۸۱) در مقاله‌ای کوتاه با عنوان «دنیا از دیدگاه مولوی در مثنوی با استناد به آیات قرآنی» بانی را در این زمینه گشوده است و به برخی از مواردی که تصویر دنیا در مثنوی و قرآن کریم دارای مشابهت هستند، اشاره کرده است. باوجوداین نوشته مذکور، تحقیقی جامع و کامل در این زمینه به‌شمار نمیرود و حتی فاقد نتیجه بحث است. کاووسی حسینی (۱۳۸۴) نیز در مقاله کوتاه دیگری با عنوان «دنیا از منظر مثنوی مولانا» به برخی ویژگیهای دنیا در دیدگاه مولانا، بدون پرداختن به منبع و مأخذ آن، اشاره کرده است. این مقاله نیز فاقد ساختار کامل پژوهشی است و مقدمه و نتیجه ندارد. موسی‌آبادی و فخراسلام (۱۳۹۷) در مقاله «سیمای تمثیلی دنیا در شعر سعدی و مولانا» دنیا و تمثیلهای تعلیمی آن را بر اساس اشعار سعدی و مولانا با رویکرد تمثیلی بر آیات و روایات بررسی نموده‌اند. در این پژوهش که با هدف مقایسه صورت گرفته است، به‌صورت جامع به تصاویر دنیا در مثنوی معنوی و تأثیرپذیری آن از آیات و روایات پرداخته نشده است. ازاینرو پژوهش حاضر درنظر دارد به‌صورت جامع تمامی تصاویر مثنوی معنوی را که در آنها نشانه‌های تأثیرپذیری از آیات و روایات دیده میشود، مورد تحلیل قرار دهد و در این راستا حوزه پژوهش خود را به تمثیل محدود نکرده و تمامی تصاویر بلاغی را درنظر گرفته است.

بحث و بررسی: تصاویر دنیا در مثنوی و ارتباط آن با آیات، احادیث و روایات

مولانا عالم مادی و جهان کنونی را پر از نعمت و جلوه‌ای از زیباییها دانسته و در بیان او جهان مادی زیباست و زیباییهای آن، او را مست و مدهوش ساخته است:

من همی‌بینم جهان را پر نعیم	آبها از چشمه‌ها جوشان مقیم
بانگ آبش میرسد در گوش من	مست میگردد ضمیر و هوش من

(مثنوی: دفتر ۴، ابیات ۳۲۶۵ و ۳۲۶۶)

همچنین مولانا رهبانیت و ترک دنیا را ناپسند، نوعی بدعت، و برخلاف آیین مبین اسلام دانسته است:

هین مکن خود را خصی، رهبان مشو!	زانکه عفت هست شهوت را گرو
--------------------------------	---------------------------

(مثنوی: دفتر ۵، بیت ۵۷۷)

مرغ گفتش: خواجه! در خلوت مایست	دین احمد را ترهب نیک نیست
از ترهب نهی کرده است آن رسول	بدعتی چون درگرفتی ای فضول؟

(مثنوی: دفتر ۶، ابیات ۴۸۱ و ۴۸۲)

«جهانبینی اسلامی بر توحید ناب استوار است و بدگمانی نسبت به مخلوقات الهی صحیح نیست؛ بنابراین منطق دین، در نکوهش دنیا هرگز متوجه جهان آفرینش نیست» (سیری در نهج‌البلاغه، مطهری: ص ۲۷۶). باوجوداین بیشترین تصاویری که در مثنوی تحت تأثیر آیات، احادیث و روایات ایجاد شده است، تصاویر منفی هستند که چهره‌ای مذموم از دنیا ارائه میدهند. در این بخش به تصاویر مثبت و منفی از دنیا در مثنوی اشاره میشود. لازم به ذکر است فقط به آن دسته از تصاویر اشاره میشود که ردپای آن را میتوان در آیات، احادیث و روایات یافت.

تصاویر مثبت دنیا در مثنوی

در مجموع شش تصویر مثبت از دنیا در مثنوی مولوی وجود دارد که تحت تأثیر آموزه‌های دینی شکل گرفته

است یا حداقل میتوان ردپای آن را در این متون مشاهده کرد.

الف) لشکر حق

یکی از تصاویر مثبتی که در مثنوی درمورد جهان خلقت آمده است، تعبیر «لشکر حق» است. این تعبیر برگرفته از آیه «وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ كَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيْمًا» (فتح / ۷) است که همه دنیا و آنچه در آنست را لشکر حق میدانند. در این بیت مولانا مجموعه دنیا و مخلوقات خداوند را به «لشکر حق» تشبیه میکند. این تشبیه را میتوان بر پایه قدرت و عظمت خداوند دانست. «سیاق آیه شهادت میدهد که مراد از «جنود» آسمانها، و زمین، اسبابی است که در عالم دست در کارند، چه آنهایی که به چشم دیده میشوند، و چه آنهایی که دیده نمیشوند. پس این اسباب واسطه‌هایی هستند بین خدای تعالی و خلق او، و آنچه را که او اراده کند اطاعت میکنند، و مخالفت نمیورزند (تفسیر المیزان، طباطبایی: جلد ۱۸، ذیل سورة فتح).

جَمَلَةُ ذَرَاتِ زَمِيْنٍ وَ اَسْمَانِ لَشْكِرٍ حَقَّانِدِ گَاشِ اَمْتَحَانِ
(مثنوی: دفتر ۴، بیت ۷۸۳)

ب) جهان کاشتن

مولانا تعبیر «جهان کاشتن» را برای دنیا با استناد به حدیث مشهور پیامبر اسلام (ص) که فرموده است: «الدنيا مزرعة الآخرة» آورده است. وی با استفاده از استعاره مکنیه، به جای اشاره مستقیم به تعبیر «مزرعة آخرت»، ترکیب استعاری «جهان کاشتن» را ایجاد کرده است:

زَانِكِه دَانَد اِيْن جِهَانِ كَاشْتَنِ هَسْت بَهْر مَحْشَر وَ بَرْدَاشْتَنِ
(مثنوی: دفتر ۴، بیت ۲۹۸۹)

خدای متعال نیز در آیه ۲۰ سورة شوری با تشبیهی لطیف، مردم جهان را در برابر روزیهای پروردگار و چگونگی استفاده از آن، به کشاورزانی تشبیه میکند، که گروهی برای آخرت کشت میکنند، و گروهی برای دنیا، و نتیجه هر یک از این دو زراعت را، مشخص میکند، میفرماید کسی که زراعت آخرت را طالب باشد، به او برکت میدهم و بر محصولش می‌افزایم: مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ. آنها که فقط برای دنیا کشت کنند، و تلاش و کوشششان برای بهره‌گیری از این متاع زودگذر و فانی باشد، تنها کمی از آنچه را می‌طلبند به آنها میدهم اما در آخرت، هیچ نصیب و بهره‌ای نخواهند داشت: وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ.

پ) میناگری خداوند

در نگاه مولانا هدف از خلقت دنیا، صورت ظاهری آن نیست، بلکه هدف از آفرینش دنیا، هدفی متعالی و بلند است و این هدف، همان معرفت درست ذات خداوند است؛ زیرا تفکر در آفریده‌ها و نعمتهای خداوند سبب شناخت خدا خواهد شد. لذا در بیان مولانا دنیا و مخلوقات، زمینه و مقدمه شناخت خداوند است. ازاینرو مولانا زیباییهای دنیا را میناگری خداوند میدانند که تأمل در آن، موجب شناخت و معرفت نسبت به او میشود.

اِيْن چَنِین مِیْنَاگَرِیْهَا کَار تَوَسْت اِيْن چَنِین اَکْسِیْرِهَا اَسْرَار تَوَسْت
آب را و خَـاک را بـهرهم زدی ز آب و گِل نقِش تـن آدم زدی
(مثنوی: دفتر ۲، بیت ۶۹۵)

در واقع مولانا نقش‌ونگار جهان خلقت و عالم ماده را بیهدف ندانسته و با استناد به آیه ۱۵ سوره حجر «و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لاعبین» و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه را بین آنهاست مگر بر بنیاد حق، آفرینش دنیا و مخلوقات را هدفمند دانسته است.

ت) حلوا، شربت، و پالوده شیرین

مولانا در سه استعاره با بنمایه یکسان، دنیا را به «حلوا»، «شربت» و «پالوده» تشبیه میکند و این مشبیه‌ها را به‌عنوان استعاره برای دنیا می‌آورد. مولوی ظاهراً با استفاده از سخن پیامبر (ص) که در حکمت ۱۶۰۰ نهج/فصاحه فرموده است: «الدنيا حلوة خضرة: دنیا شیرین و سرسبز است»، دنیا را با تعبیر «حلوا، پالوده و شربت» معرفی نموده است. به‌نظر میرسد چنین دنیایی، همان دنیای رساننده باشد که انسان را به کمال و سعادت و مقصد عالی میرساند و از این جهت که رساننده است، ممدوح و مورد قبول مولانا است.

گر سخن خواهی که گویی چون شکر
صبر کن از حرص و این حلوا مخور
صبر باشد مشتهای زیرکان
هست حلوا آرزوی کودکان
(مثنوی: دفتر ۱، ابیات ۱۶۰۰ و ۱۶۰۱)

منظور از حلوا در این ابیات، حظوظ نفسانی و لذایذ دنیوی است. از نگاه مولانا دنیا شیرین و خوش است، ولی معضل اصلی و مهمی که در دنیاست، وجود هوای نفس است؛ یعنی اگر نفس اماره در کار نباشد، دنیا شیرین است.

آفت این در هوا و شهوت است
ورنه اینجا شربت اندر شربت است
(مثنوی: دفتر ۲، بیت ۱۰)

در بیان مولانا انسان طالب سعادت باید خود را از پالوده شیرین دنیا (تعلقات دنیوی) برحذر دارد و مطبخ بی‌ارزش دنیا را نادیده تصور نماید:

خود از این پالوده نالیده گیر
مطبخی که دیده‌ای نادیده گیر
(مثنوی: دفتر ۵، بیت ۱۹۶۵)

حضرت علی (ع) نیز هنگامی که در صفت دنیا سخن میراند، آن را فریبنده و زیان‌آور میخواند «باید از این دنیای رنگ‌پذیر بیمناک بود، زیرا به کام شیرین آید و در دیده زیبا و رنگین، لیکن آکنده از امیال خانمان‌برانداز است و لبریز از آمال دور و دراز. گوارای آن شور است و شیرین آن تلخ. طعامش به زهر آمیخته است و دست‌افزارش پوسیده درهم‌ریخته» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۱۱).

ث) جهان امتحان

به موجب آیه ۲ سوره دهر (انسان)، پروردگار انسان را آزمایش میکند (نبتلیه) و بعد به آن جهان یا عالم ثانی می‌رود که در آنجا جزای نیک و بد را می‌بیند. مولانا از اینرو دنیا را جهان امتحان نامیده است.

عالم اول جهان امتحان
عالم ثانی جزای این و آن
(مثنوی: ج ۲، بیت ۹۷۹)

همچنین بارها در کلام بزرگان دینی، دنیا به سرای امتحان تشبیه شده است. برای نمونه پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «چند روزی که از عمر مانده است، عمل را از سر بگیرد و تلافی کنی. آماده کوچ کردن باشید از

سرای امتحان و آزمایش به سوی سرای جاویدان، بترسید از اینکه مرگ شما را ناگهان دریابد «ارشادالقلوب: ج ۱، ص ۱۸۲).

ج) رحیم مادر

پیامبر خدا (ص) فرمود: «وضعیت مؤمن در دنیا مانند جنینی است که در شکم مادرش قرار دارد. او وقتی متولد شود ابتدا گریه را آغاز میکند، تا وقتی که چشمش باز شده و روشنایی را ببیند و شیر بخورد که دیگر دوست ندارد به جایگاه گذشته خود بازگردد. در نمونه‌ای مشابه، مؤمن از مرگ جزع میکند، اما وقتی به دیدار پروردگارش رسید، دیگر دوست ندارد که به دنیا بازگردد، چنانکه نوزاد دوست ندارد به شکم مادرش برگردد» (احیاء علوم‌الدین، غزالی: ج ۱۵، ص ۱۸۷). مولانا نیز دنیا را به رحم تشبیه میکند. در نظر او دنیا رحمی برای تولد به آخرت است؛ همانطور که شکم مادر رحمی است برای تولد به دنیا.

این جهان را چون رحم دیدم کنون	چون در این آتش بدیدم این سکون
وز جهان چون رحم بیرون روی	از زمین در عرصه‌ و اسع شوی
آنک ارض الله واسع گفته‌اند	عرصه‌ای دان انبیا را بس بلند
	(مثنوی: دفتر ۱، ابیات ۳۱۷۸-۳۱۸۱)

تصاویر منفی دنیا در مثنوی

مولوی دنیا را در برخی موارد مذموم و نکوهیده دانسته است. این موارد شامل مفاهیم و تعبیری چون مانع و حجاب بودن، زشتی، بی‌اعتباری و ناپایداری، بیوفایی، هلاک‌کنندگی، فریبکاری، عدم شایستگی برای زندگی آسوده، و توأم بودن خوشیهای دنیا با درد و رنج است. در این بخش به تصاویر منفی دنیا در مثنوی بر پایه آیات، احادیث و روایات اشاره میشود. در مجموع ۱۳ تصویر منفی در مثنوی مشاهده شد که ریشه آن را میتوان در آموزه‌های دینی یافت.

الف) گنده‌پیر و ساحره

کابلی ساحره دنیاست کاو	کرده مردان را اسیر رنگ‌وبو
چون درافکندت در این آسوده رود	دم‌به‌دم میخوان و میدم قل اعوذ
تا رهی زین جادوی و زین قلق	استعاذت خواه از رب الفلق
زان نبی دنیات را ساحره خواند	کاو به افسون خلق را در چه نشاند
هین فسون گرم دارد گنده‌پیر	کرده شاهان را دم گرمش اسیر
در درون سینه نفائات اوست	عقده‌های سحر را اثبات اوست
ساحره دنیا قوی دانا زنی است	حل سحر او به پای عامه نیست
ور گشادی عقید او را عقلها	انبیا را کی فرستادی خدا؟
	(مثنوی: دفتر ۴، ابیات ۳۱۹۰-۳۱۹۷)
گنده‌پیر است او و از بس چاپلوس	خویش را جلوه دهد چون نوعروس
هین مشو مغرور آن گلگونه‌اش	نیش نوش آلوده او را بچش
	(مثنوی: دفتر ۶، ابیات ۳۱۹ و ۳۲۰)

پیامبر (ص) فرموده است: «اتَّقُوا الدنیا فوالذی نفسی بیده آتھا لأَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ و مارُوتَ: از دنیا حذر کنید؛ زیرا سوگند به آنکه جانم در دست اوست، دنیا جادوگرتر از هاروت و ماروت است (درر المنثور: ج ۱، ص ۲۴۴). مولانا با استناد به این فرمایش پیامبر (ص)، به آیه «و مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِی الْعُقَدِ» (فلق / ۴) اشاره میکند. به اعتقاد مفسران یکی از مصادیق «نفاثات»، زنان جادوگری هستند که به نخ و ریسمان گره میزنند و بر آن میدمند؛ و برخی معتقدند نفاثات زنانی هستند که افکار مردان را منحرف و به رأی خود برمیگردانند (مجمع‌البیان، طبرسی: ج ۲۷، ص ۳۸۴). به اعتقاد مولانا این پیرزن جادوگر، دنیاست که با سحر و جادوی خود، در کارها گره می‌افکند و همه را به گمراهی دچار میکند و راه نجات از فریب آن، پیامبران هستند. تشبیه دنیا به زنی ساحره در ادبیات فارسی دارای پیشینه است. برای نمونه ناصر خسرو در بیت زیر چنین سروده است:

گیتی زنی‌ست خوب و بداندیش و شوی‌جوی با عذر و فتنه‌ساز و به گفتار ساحره
(سی قصیده از ناصر خسرو: ص ۲۹۳)

روایت شده است که دنیا بر حضرت عیسی علیه‌السلام ظاهر شد، پس او را به‌صورت پیرزنی (در مکاشفه) دید که دندانهای پیشین او از ریشه شکسته است و به انواع زیورها آراسته شده است. حضرت فرمود: «با چند شوهر ازدواج کرده‌ای؟» گفت: «نمیتوانم آنها را برشمارم» فرمود: «تمامشان را کشته‌ای یا طلاق داده‌اند؟» گفت: «تمامشان را کشته‌ام.» فرمود: «بد به حال باقی شوهرهایت! چگونه از شوهرهای گذشته‌ات که یکی‌یکی آنها را کشته‌ای، عبرت نمیگیرند و از تو دوری نمیکنند (راه روشن: ج ۶، ص ۱۹).

ب) رؤیای خفته

در نظر مولانا مرگ سحرگاهی است که ما را از «خواب دنیا» بیدار میکند و خمار شب را از سر میبراند. همچنین دنیا که حلم نائم است تا برآید ناگهان صبح اجل
وارهد از ظلمت ظن و دغل (مثنوی: دفتر ۴، ابیات ۳۶۵۵ و ۳۶۵۴)
این جهان خواب است اندر ظن مه‌ایست گر رود در خواب دستی، باک نیست [...]
این جهان را که به صورت قائم است گفت پیغمبر که حلم نائم است
(مثنوی: دفتر ۳، ابیات ۱۷۲۶ و ۱۷۳۰)

در این ابیات مولوی دنیا را به خواب شیرینی تشبیه میکند که با طلوع صبح اجل، بیداری از آن میسر میشود. این تصویر اشاره به حدیثی نبوی دارد که فرمود: «الدنیا حُلْمٌ نائم» (احادیث و قصص مثنوی، فروزانفر: ص ۲۸۲). حضرت علی (ع) نیز در این ارتباط چنین گفته است: «الدُّنْیا حُلْمٌ و الاغْتِرَارُ بِهَا نَدَمٌ» (غررالحکم، آمدی: ج ۱، ص ۳۶۴).

پ) جیفه و مردار

من نمیکردم غزا از بهر آن تا ظفر یابم فروگیرم جهان
کاین جهان جیفه‌ست و مردار و رخیص بر چنین مردار چون باشم حریص؟
(مثنوی: دفتر ۳، ابیات ۴۵۵۰ و ۴۵۵۱)
چشم مهتر چون به آخر بود جفت پس بدان دیده جهان را جیفه گفت
(مثنوی: دفتر ۶، بیت ۳۴۷۵)

پس در این مردار زشت بیوفا این همه رشک است و خصم است و جفا
(مثنوی: دفتر ۵، بیت ۱۲۱۶)

مولانا بارها در مثنوی دنیا را به «مردار» تشبیه کرده است. پایه این تشبیهات و استعارات را میتوان اشاره به سخن حضرت علی (ع) دانست که: «الدنيا جيفةٌ و طلاؤها كلابٌ فمن أرادها فليصبرن على مخالطة الكلاب». دنیا مانند مردار و جویندگانش مانند سگها هستند (بحارالانوار، مجلسی: ج ۸۷، ص ۲۷۹). تشبیه دنیا به جیفه و مردار، تشبیهی است که در روایات دیگر نیز وارد شده و این تشبیه به خاطر تعفنی است که در باطن دنیای آلوده به انواع ظلمها و گناهان وجود دارد و یا به خاطر اینکه دنیاپرستان برای ربودن آن از یکدیگر، به جنگ و ستیز برمیخیزند.

ت) پَر پشه

جمله دنیا را پر پشه بها سلیلی را رشوت بیمنتها
(مثنوی: دفتر ۶، بیت ۱۶۴۰)

مولانا در این بیت دنیا را از لحاظ بی‌ارزش بودن به «پر پشه» تشبیه کرده است. میتوان این تشبیه را متأثر از این حدیث از پیامبر (ص) دانست که «لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدُلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا شَرْبَةَ مَاءٍ» اگر دنیا نزد خدا به پر پشه‌ای می‌ارزید، از آن حتی به اندازه جرعه‌ای به کافران نمینوشاند (نهج‌الفصاحه، حکمت ۲۳۳۷).

ث) بازیچه و سرگرمی کودکان

گفت دنیا لعب و لهو است و شما کودکید و راست فرماید خدا
از لعب بیرون نرفتی کودکی بی زکات روح کی باشی زکی؟
(مثنوی: دفتر ۱، ابیات ۳۴۳۲ و ۳۴۳۱)

نی شنیدی انما الدنيا لعب باد دادی رخت و گشتی پر تعب
(مثنوی: دفتر ۶، بیت ۴۵۹)

این جهان بازیچه است و مرگ، شب بازگردی کیسه خالی پرتعب
(مثنوی: دفتر ۲، بیت ۲۶۰۰)

این ابیات که مولوی دنیا را به بازی و بازیچه تشبیه کرده است، اشاره به بخشی از آیه ۲۰ سوره حدید دارد که «أَتَمَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ». ذکر این نکته ضروری است که در آیات قرآن هیچ موردی پیدا نمیشود که خود حیات پست معرفی شده باشد، بلکه حیات آن ماهیت کلی است که ممکن است به‌صورت پست برای انسان مطرح شود. مقصود از «الحياة الدنيا» زندگانی به‌طور مطلق نیست، بلکه آن زندگانی است که انسان به اختیار خود و به گرایش به حیوانیت آن را برای خود پست ساخته است. بنابراین بازیچه بودن «حیات دنیا» هیچگونه صورت تقبیح زندگانی را دربر ندارد (تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، جعفری: ج ۲، ص ۵۹۵). مولانا در بیت چهارم، دنیا را به بازی تشبیه میکند که کودکان گرم آن هستند و هنگامی که مرگ مانند شب فرامیرسد، مجبورند آن را با دست خالی ترک کرده و به خانه حقیقی خود بازگردند! در واقع تشبیه زندگی دنیا به بازی و سرگرمی از این نظر است که بازیها و سرگرمیها معمولاً کارهای توخالی و بی‌اساس‌اند که از متن زندگی حقیقی دورند، نه آنها که در بازی پیروز میشوند، پیروزند و نه آنها که شکست میخورند، شکست خورده‌اند؛ زیرا پس از پایان بازی همه چیز به جای خود بازمیگردد.

ج) مار خوش خط و خال

مولانا دنیا را از حیث فریبندگی، به ماری خوش‌خط و خال تشبیه کرده است. در نگاه او مال و ثروت یکی از مهمترین آفات دنیوی در رسیدن انسان به کمال به‌شمار می‌رود.

مینماید مار اندر چشم، مال هر دو چشم خویش را نیکو بمال
(مثنوی: دفتر ۲، بیت ۲۹۴۴)

حضرت علی (ع) نیز در این باره فرموده است: «دنیا غولی زشت و نابه‌کار و گمراه‌کننده و ماری خوش‌خط و خال با زهری کشنده است» (نهج‌البلاغه: حکمت ۱۱۹).

چ) زندان غفلت

این جهان زندان و ما زندانیان
چيست دنیا از خدا غافل شدن
حفره کن زندان و خود را وارهان
نی قماش و نقره و فرزند و زن
(مثنوی: دفتر ۱، ابیات ۹۸۲ و ۹۸۳)
کاندرین زندان دنیا من خوشم
تا که دشمن زادگان را میکشم
(مثنوی: دفتر ۲، بیت ۶۳۱)

مولوی در مثنوی بارها دنیا را به «زندان» تشبیه کرده است. پایه این تصویر را میتوان مأخوذ از حدیث پیامبر (ص) «الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ» دانست؛ دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است (نهج‌الفصاحه، حکمت ۱۶۰۰).

در اندیشه مولانا دنیای کنونی و مجموعه جهان مادی یا به تعبیری آنچه زیر آسمان است، و سبب مشغول شدن انسان و به نوعی مانع راه خدا گردد، دنیا نام دارد و ناپسند است. مولانا دنیا را غفلت از خدا دانسته است و تعلقات دنیوی و اسباب معیشت دنیا، اگر انسان را از یاد خدا غافل نکنند، دنیا محسوب نمی‌شوند. همچنین در بیان مولانا، زن و فرزند و مال و ثروت، به‌تنهایی دنیا نیست؛ بلکه تعلق شدید به آنها باعث می‌شود که انسان از خدا غافل و فارغ شود. آنچه در طلب کمال و در جست‌وجوی تعالی حق باید از آن فاصله گرفت، کانون خانواده، و کسب معاش زندگانی نیست؛ بلکه تعلقی است که انسان را به بهانه مال و به‌خاطر زن و فرزند به ورطه حرص و آز می‌اندازد. مولانا تمام دلتنگی دنیا را ناشی از دل نهادن بر دنیا و دنیاطلبی دانسته است. علامه مجلسی از راوندی نقل کرده است: پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - دنیا را به این جهت به زندانی تشبیه کرده است که مؤمن در دنیا مقید به اوامر و نواهی الهی است و دنیا برای او تنگ است. همچنین به‌وسیله عذاب خداوندی ترسانده شده است و با شهوات و آرزوها امتحان می‌شود و مشکلات به او روی می‌آورد، برخلاف کافر (بحارالانوار، مجلسی: ج ۶۵، ص ۱۵۹).

ح) دار فانی / شهر فانی / فناجا

لیک از نور محمد من کنون
نیستم این شهر فانی را زبون
(مثنوی: دفتر ۳، بیت ۳۴۳۱)
شکر آن کز دار فانی می‌رهیم
بر سر این دار پندت می‌دهیم
(مثنوی: دفتر ۵، بیت ۴۱۳۳)
اهل دنیا جملگی زندانی‌اند
انتظار مرگ دار فانی‌اند
(مثنوی: دفتر ۶، بیت ۳۴۰۴)

گفت موسی این جهان مردن است آن جهان انگیز کانجا روشن است
این فناجا چون جهان بودنی است آن جهان عاریت بس سودنی است
(مثنوی: دفتر ۳، ابیات ۳۳۹۳ و ۳۳۹۲)

«شهر فانی»، «دار فانی» و «فناجا» در این ابیات استعاره از دنیا هستند. ردپای این استعارات را میتوان در آیه ۲۶ سورة الرحمن دانست که: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ». حضرت علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه در قسمتی از خطبه ۱۱۴، شماری از آسیبهای دنیا را چنین بیان داشته‌اند: «دنیا خانه‌ای فناپذیر است و محنت‌سرای دلیگیر؛ هر لحظه به رنگی درآید و هر دم دری از فتنه بگشاید. نه تیرش به خطا رود نه جراحاتش را امید بهبود بود». به‌نظر میرسد ترکیب «فناجا» ساخته خود مولاناست.

خ) ملک نوبتی

یکی از ویژگیهای بارز روزگار، تغییر و تحول سریع حاکم بر آن است و هیچگاه بر یک حالت نمی‌ماند، و دنیا یک روز به کام کسی و روز دیگر بر ضد او می‌گذرد و همواره این تغییر و تبدیل پابرجاست؛ زیرا دنیا محل تغییر و تبدیل است. مولانا نیز از رنگ‌به‌رنگ شدن و نابرابریهای روزگار شکایت دارد و معتقد است دنیا خانه‌ای است که غم و اندوه فراوان، آنقدر بر آن سایه افکنده است، گویی که شادی در آن وجود ندارد و نمیتوان شادی را در آن به‌طور کامل تجربه کرد. او از این جهات «ملک نوبتی» را استعاره‌ای برای دنیا آورده است.

هین به ملک نوبتی شادی مکن ای تو بستم نوبت آزادی مکن
(مثنوی: دفتر ۱، بیت ۱۳۶۹)

این استعاره به آیه ۶۰ سورة مبارکه «قصص» نیز استشهد دارد: «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و آنچه از نعمتها (ی این عالم) به شما داده شده، متاع و زیور (بیقدر) زندگانی دنیاست و آنچه نزد خداست بسیار بهتر و باقیتر است، آیا فهم و عقل کار نمیبندید؟

د) خاک بر باد

این جهان نیست چون هستان شده و آن جهان هست بس پنهان شده
خاک بر باد است و بازی میکند کژنمایی پرده‌سازي میکند
(مثنوی: دفتر ۲، ابیات ۱۲۸۰ و ۱۲۸۱)

در مصرع سوم این ابیات، جهان به خاکی تشبیه شده است که بادی به‌آسانی آن را برهم میزند و ازبین میبرد. این تعبیر به تمثیلی که از دنیا در قرآن آمده است، شباهت دارد: «وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا» (کهف / ۴۵). ای پیامبر زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرومیفرستیم و به‌وسیله آن گیاهان زمین سبز شده و درهم فرومیرود، پس از مدتی می‌خشکد و بادها آن را پراکنده مینماید و خداوند بر همه‌چیز تواناست.

ذ) خارشتر

مولانا، تمثیل «منفعت و لذت بردن شتر از خوردن خار سبز» را همچون انسانی میداند که در جهت کسب معرفت از نعمتهای دنیایی بهره‌مند میگردد. مولانا اینچنین بهره‌مندی از دنیا را بالارش میداند؛ اما درمقابل انسانی را که فقط از نعمتهای دنیوی کسب لذت و خوشگذرانی و در پی آن غفلت از یاد خدا نماید، به مثل خار

خشکی میداند که کام شتر را میرنجانند.

نان چو معنی بود خوردش سود بود	چونکه صورت گشت انگیزد جحود
همچو خار سبز کاشتر میخورد	ز آن خورش صد نفع و لذت میبرد
چونکه آن سبزش رفت و خشک گشت	چون همان را میخورد اشتر ز دشت
میدراند کام و لُنجش ای دریغ	کآن چنان وُرد مربی گشت تیغ
نان چو معنی بود، بود آن خارِ سبز	چونکه صورت شد، کنون خشک است و گبز

(مثنوی، دفتر ۱، ابیات ۳۹۹۳-۳۹۹۷)

حضرت علی (ع) نیز تمثیل بسیار خردمندانه‌ای از دنیای حرام در نهج‌البلاغه ارائه نموده‌اند که گویی مولانا از این سخن در شعرش اقتباس نموده است؛ ایشان میفرمایند: «فَإِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ» (خطبه ۱۱۱). همانا من شما را از دنیای حرام میترسانم؛ زیرا در کام شیرین و در دیده انسان، سبز و رنگارنگ است.

ر) گاهوارهٔ کودکان

این زمین چون گاهوارهٔ کودکان	بالغان را تنگ میدارد مکان
بهر طفلان حق زمین را مهد خواند	شیر در گهواره بر طفلان فشاند
خانه تنگ آمد از این گهواره‌ها	طفلکان را زود بالغ کن شها
خانه‌ای گهواره رو ضیق مدار	تا تواند کرد بالغ انتشار

(مثنوی: دفتر ۶، ابیات ۴۷۷۵-۴۷۵۸)

در این ابیات «زمین» را باید مجاز از دنیا دانست. مولانا با استفاده از مفهوم آیه «الْم نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهَاداً...» (نبأ ۶) دنیا را به گهواره‌ای تشبیه کرده است که دلبستگی به آن شایستهٔ کودکان است و ماندن در آن برای انسانهای بالغ مناسب نیست.

ز) رباط / کاروانسرا

من غلام آنکه او در هر رباط	خویش را واصل نداند بر سماط
بس رباطی که ببايد ترک کرد	تا به مسکن دررسد یک روز مرد

(مثنوی: دفتر ۱، ابیات ۳۲۵۹ و ۳۲۶۰)

تشبیه دنیا به کاروانسرا، از تشبیهات رایج در ادبیات فارسی و عربی است. سعدی در این باره چنین سروده است:

چرا دل بر این کاروانگه نهیم	که یاران برفتند و ما در رهیم
دل ای سلیم بر این کاروانسرا مبند	که خانه ساختن آیین کاروانی نیست

(بوستان سعدی: بیت ۳۷۴۴)

(کلیات سعدی: ص ۹۴۸)

مولانا نیز چندین بار در مثنوی و کلیات شمس این تشبیه یا استعاره را به‌کار برده است. حضرت علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه دنیا را به کاروان تشبیه کرده است: «أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ يُسَارُ بِهِمْ وَ هُمْ نِيَامٌ» اهل دنیا مانند کاروانی هستند که ایشان را میبرند؛ درحالیکه آنان خوابند» (و آگاه نیستند که ناگهان راه طی شده به جایگاه ابدی میرسد) (نهج‌البلاغه، حکمت ۶۴).

نتیجه‌گیری

از بررسی تصاویر دنیا در مثنوی معنوی و مطابقت آن با آیات، احادیث و روایات، این نتایج حاصل شده است:

- در مجموع ۱۳ تصویر منفی و مذموم، و ۶ تصویر مثبت و ممدوح در مثنوی معنوی درمورد دنیا وجود دارد که با الهام از آموزه‌های دینی شکل گرفته‌اند. بنابراین میتوان گفت تعداد تصاویر منفی تقریباً دو برابر تصاویر مثبت است.

- نگاه مولانا به دنیا عموماً نگاهی ناامیدانه و گاه نیز همراه با انزجار و وحشت است. تصاویری مانند زندان پرفت، مار خوش‌خط‌وخال، و گنده‌پیر و ساحره نشان‌دهنده این نوع نگاه است. هدف از ارائه چنین تصاویری معمولاً دور کردن انسان از دلبستگی و وابستگی به دنیا است. این نوع نگاه تحت تأثیر منابع دینی، به‌ویژه قرآن کریم، شکل گرفته است.

- مولانا زمانی دنیا را قابل اعتنا و بالارزش میداند که پلی برای رسیدن به آخرت باشد. ازاینرو مشغول شدن به دنیا را از لحاظ فراهم آوردن زاد و توشه آخرت مجاز میداند.

- وجه‌شبه تصاویر منفی دنیا در مثنوی، ناپایداری، بی‌ارزشی، غفلت، فریبندگی، و سرگرمی است که در این میان بیشترین بسامد متعلق به ترتیب ناپایداری (۴ مورد) و بی‌ارزشی (۳ مورد) است. بنابراین دیدگاه اصلی مولانا راجع به دنیا- که متأثر از آموزه‌های دینی است- بر پایه ناپایداری و بی‌ارزشی آن شکل گرفته است.

- وجه‌شبه تصاویر مثبت نیز شناخت خداوند، تلاش برای توشه آخرت، زیبایی و شیرینی دنیا، قدرت خداوند در خلق زیبایی، و آزمایش الهی است؛ بنابراین دنیا از آن منظر که فرصتی برای شناخت خداوند، آشنایی با ذات و قدرت او، و فراهم کردن توشه آخرت است، موجب خلق تصاویر مثبت در مثنوی معنوی شده است. این نوع نگاه نیز تحت تأثیر منابع دینی، به‌ویژه قرآن کریم، شکل گرفته است.

در پایان این بخش تصاویر مثبت و منفی دنیا در مثنوی در دو جدول جداگانه ارائه میشود:

جدول شماره یک: تصاویر منفی دنیا در مثنوی

ردیف	تصویر	وجه شبه	نوع تصویر
(۱)	گنده‌پیر و ساحره	فریبکاری	تشبیه و استعاره مصرحه
(۲)	خواب و رؤیا	غفلت	تشبیه
(۳)	جیفه و مردار	بی‌ارزشی	تشبیه و استعاره مصرحه
(۴)	پر پشه	بی‌ارزشی	تشبیه
(۵)	بازیچه و سرگرمی کودکان	فریبندگی	تشبیه
(۶)	مار خوش‌خط و خال	فریبندگی	تشبیه
(۷)	زندان غفلت	غفلت و آزاردهندگی	تشبیه و استعاره مصرحه
(۸)	دار فانی / شهر فانی / فناجا	ناپایداری	استعاره مصرحه
(۹)	ملک نوبتی	ناپایداری	استعاره مصرحه
(۱۰)	خاک بر باد	ناپایداری	تشبیه
(۱۱)	خار شتر	بی‌ارزشی	تشبیه
(۱۲)	گاهواره کودکان	بیهودگی و سرگرمی	تشبیه
(۱۳)	رباط / کاروانسرا	ناپایداری	استعاره مصرحه

جدول شماره دو: تصاویر مثبت دنیا در مثنوی معنوی

ردیف	تصویر	وجه شبه	نوع تصویر
(۱)	لشکر حق	قدرت خداوند	تشبیه
(۲)	جهان امتحان	آزمون الهی	تشبیه
(۳)	شریت / پالوده / حلوا	شیرینی و جذابیت	استعاره مصرحه
(۴)	رحیم مادر	تنگی و عدم شناخت	تشبیه
(۵)	میناگری خداوند	زیبایی	استعاره مصرحه
(۶)	مزرعه آخرت	تلاش	استعاره مکنیه

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی خرم آباد استخراج شده است. آقای دکتر یداله ملکی راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای محمدحسین صادقی درویشی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر جعفر تابان نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

The Holy Quran.

Aref, Sayyid Muhammad Sadiq. (1998). Rah Roshan, Mashhad: Astan Quds Razavi, p 19.

Dailami, Hassan Ibn Muhammad. (1992). Ershad al-Qulub. Volume1, qom: Al-Sharif Al-Razi, p182.

Forouzanfar, Badi'alZaman. (2002). Masnavi's Hadiths and Tales, Translated and edited by Hossein Davoodi, Tehran: Amirkabir, p 282.

- Ghazali, Mohammad Ibn Mohammad. (2013). *Ehya-ye Olum al-din*, Translated by Moeinoddin Mohammad Kharazmi. Volume 15. Eighth Edition, Tehran: Scientific and Cultural, p 187.
- Ibn Abitaleb, Ali. (1999). *Nahj al-Balaghah*. Translated by Muhammad Dashti, qom: Nashar alHadi.
- Jafari, Mohammad Taghi. (1968). *Interpretation, Critique and Analysis of Masnavi*, Tehran: Islamic Publications, p 595.
- Jalalodin Abdolrahman. (1983). *Duarar Al-Minthur fi Al-Tafsir bi Al-mathur*, Volume One, qom: Aytpillah Marashi Al-Nujafi, p 244.
- Majlesi, Mohammad Baqir. (nd). *Behar Al-Anvar*. Volumes 65 & 87, beyrut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, pp 159 & 279.
- Mawlavi, Jalal Al-Din Muhammad. (1988). *Mathnawy Manavi*. With the Correction of Reynold Nicholson, Tehran: Mowla.
- Mohaghegh, Seyed Mahdi. (2017). *Thirty poems of Nasir Khusraw*, Tehran: Toos, p 293.
- Motahari, Morteza. (2001). *An Investigation of Nahj Al-Belagheh*. Fourteenth Edition, Tehran: Sadra, p 276.
- Sa'adi, Mosleh Al-Din. (1980). *Bustan*. Edited by Gholam Hossein Yousefi, Tehran: Association of Persian Language and Literature Teachers.
- Sa'adi, Musleh Al-Din. (2014). *Koliyat Sa'adi*. Muhammad Ali Foroughi, Tehran: Hermes, p 948.
- Tabarasi, Fazl Ibn Hassan. (1980). *Tafsir Majma Al-Bayan*. Translated by Mohammad Razi. vol 27, Tehran: Farahani, p 384.
- Tabatabai, Mohammad Hussein. (2003). *Tafsir Al-Mizan*. Translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani. Volume 18, Tehran: Islamic Publications Office.
- Tamimi Amadi and Abu al-Fath Abd al-vahid. (1985). *Gharr al-Hukm and Dorr al-Kalam*, Tehran: Dar Al-Ketab Al-Eslami, p 364.
- Zarrinkub, Abdolhossein. (1997). *Step by Step to the Meeting of God*. Tenth edition, Tehran: Scientific, p 277.

فهرست منابع

قرآن کریم

- احادیث و قصص مثنوی، فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۱)، ترجمه و تنظیم حسین داوودی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- احیاء علوم‌الدین، غزالی، محمدبن محمد (۱۳۹۲)، ترجمه معین‌الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچ، جلد ۱۵، چاپ هشتم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ارشادالقلوب، دیلمی، حسن‌بن محمد (۱۳۷۱)، جلد ۱، قم: الشریف الرضی.
- بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، جلد‌های ۸۷ و ۶۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بوستان، سعدی شیرازی (۱۳۵۹)، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.
- پله پله تا ملاقات خدا، زرینکوب، عبدالحسین (۱۳۷۵)، چاپ دهم، تهران: علمی.
- تفسیر المیزان، طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۲)، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد هجدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- تفسیر مجمع‌البیان، طبرسی، فضل‌ابن حسن (۱۳۵۹)، ترجمه محمد رازی، ج ۲۷، ترجمه و نگارش از احمد بهشتی، تصحیح و تنظیم محمد موسوی دامغانی، چاپ نخست، تهران: فراهانی.
- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، جعفری، محمدتقی (۱۳۴۸)، تهران: اسلامی.

دُرر المنثور فی التفسیر بالمأثور، سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان (۱۳۶۲)، جلد اول، قم: مکتب آیت‌الله المرعشی النجفی.

راه روشن، فیض کاشانی، محسن (۱۳۷۹)، ترجمه المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ترجمه سید محمدصادق عارف و دیگران، جلد ششم، مشهد: آستان قدس رضوی.

سی قصیده از ناصر خسرو، محقق، سیدمهدی (۱۳۹۷)، تهران: توس.

سیری در نهج‌البلاغه، مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، چاپ چهاردهم، تهران: صدرا.

غررالحکم و دُرر الکلم، تمیمی آمدی، ابوالفتح عبدالواحد (۱۴۱۰ ه. ق)، جلد یک، قم: دارالکتاب الاسلامی.

کلیات سعدی، سعدی شیرازی (۱۳۸۵)، بر اساس تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ اول، تهران: هرمس.

مثنوی معنوی، مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۸)، به تصحیح رینولد نیکلسون، در سه مجلد، چاپ ششم، تهران: مولی.

نهج‌البلاغه، علی بن ابیطالب (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، چاپ سی‌ودوم، قم: نشر الهادی.

کلمات قصار و برخی خطبه‌های پیامبر اکرم (ص)، نهج‌الفصاحه (۱۳۲۴) مترجم و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، چاپ نخست، تهران: جاویدان.

معرفی نویسندگان

محمدحسین صادقی درویشی: دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

(Email: darvishi@ms.khoiau.ac.ir)

یداله ملکی: استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

(Email: maleki@kaoiau.ac.ir نویسنده مسئول)

جعفر تابان: استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

(Email: jafartaban@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Mohammad Hossein Sadeghi Darvishi: PhD student in Quran and Hadith, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

(Email: darvishi@ms.khoiau.ac.ir)

Yadaleh Maleki: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

(Email: maleki@kaoiau.ac.ir Responsible author)

Jafar Taban: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

(Email: jafartaban@yahoo.com)